

# مورخ ۱۲ نوامبر ۱۹۱۱ در منزل مبارک در پاریس: درباره تعلیم تطابق علم و دین

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



مورخ ۱۲ نوامبر ۱۹۱۱ در منزل مبارک در پاریس:  
درباره تعلیم تطابق علم و دین<sup>۱</sup>

خطابات جلد اول، ص. (۱۵۵-۱۵۸)

هُوالله

دیروز بیان کردیم اساس ثانی وحدت عالم انسانی است.

سوم دین و علم توأم است. اگر مسئله ای از مسائل دین به حقیقت مطابق عقل و علم نباشد، آن وهم است، زیرا ضد علم جهل است. اگر دین ضد علم باشد، جهل است. اگر مسئله ای از طور عقل کلی الهی خارج، چگونه انسان قناعت کند، آن را اعتقاد عامیانه باید گفت. اساسیکه جمیع انبیاء گذاشته اند، حقیقت است و آن یکی است و همه مطابق علم است. مثلاً وحدانیت الهی است، این مطابق عقل است یا نه؟ روحانیت انسانی است

<sup>۱</sup> نطق مبارک ۲۱ ذی قعدة ۱۳۲۹ در منزل مبارک - پاریس ۱۲ نوامبر ۱۹۱۱



ORIGINAL



AUDIO

مطابق عقل است یا نه؟ نیت صادق است، صدق و امانت و وفاست، مطابق عقل است یا نه ثبوت و استقامت است، اخلاق حمیده عالم انسانی است مطابق عقل است یا نه؟

جمیع احکام شریعت الهی مطابق عقل است، زیرا دین منقسم بدو قسم است. یک قسم تعلق بروحانیات دارد و آن اصلست. قسم دیگر تعلق به جسمانیات یعنی معاملات دارد. آن قسمی که تعلق به روحانیات و الهیات دارد، تغییر و تبدیل نیافته، جمیع انبیاء بآن مبعوث شده اند و تأسیس فضائل عالم انسانی نموده اند. یعنی پرتوی از شمس حقیقت بر عالم اخلاق زد، روشن کرد و فیضی از رشحات ابر عنایت رسید و کشتزار حقیقت سبز و خرم شد. این اساس جمیع انبیا است و تعلق بعالم اخلاق و عرفان دارد و یکی است و حقیقت است زیرا حقیقت تعدد قبول نمی کند. و اما قسم دیگر از دین الهی که تعلق به اجسام و احکام دارد، به اقتضای زمان و مکان تغییر و تبدیل پذیرد. مثلاً در زمان موسی در تورات به اقتضای آن زمان ده حکم قتل بود. اما در زمان مسیح زمان اقتضا نمی کرد این بود که تغییر کرد. مثلاً در تورات قصاص چشم به چشم بود و اینکه اگر کسی دندان کسی را بشکند، دندانش را بشکنند. اگر کسی دزدی کند، دستش ببرند. آیا حالا میشود چنین کاری کرد؟ یا آنکه میشود کسی سبت بشکند او را بکشند، یا کسی سب پدرش کند، او را قتل نمایند؟ حالا ممکن نیست، ممنوع است، زیرا زمان اقتضا ندارد. پس واضح شد شریعت الله دو قسم است. یک قسم روحانیست که تعلق بعالم اخلاق و عرفان و فضائل عالم انسانی دارد، هیچ تغییر و تبدیل پیدا نمی کند، همیشه یکیست. قسم دیگر که تعلق باخلاق ندارد، به اقتضای زمان تغییر پیدا می کند. اما اصل دین الله اخلاق است، اشراق عرفان است فضائل انسانی است. و هر ملتی که اخلاقش تحسین شود، ترقی می کند. تهذیب اخلاق مطابق عقل است و هیچ اختلافی در آن نیست. پس اگر چنانچه دین مخالف عقل باشد اوهامست. و این نیز یک مسئله ای از مسائل و تعالیم بهاء الله است.

پس جمیع عقائدتان را تطبیق کنید تا علم مطابق دین باشد. زیرا دین انسان را بالی است و علم بال دیگر. انسان بدو بال پرواز می کند، بال واحد پرواز نتواند. جمیع تقلید ادیان مخالف عقل و علم است، نه حقیقت ادیان و از این تقلید، این مفاسد حاصل شده است که سبب بغض و عداوت بین بشر گشته. و الا اگر دین را بعلم تطبیق می کردند حقیقت ظاهر میشد و ظهور حقیقت سبب ازاله خلاف می گشت و بغض دینی ابداً نمی ماند بلکه بشر در نهایت الفت و محبت با هم آمیزش می کردند. پس شما در این فکر باشید که علم را تطبیق به دین کنید و دین را تطبیق به علم.

